

جهان همه خیر است

هر انسانی به نوبه خود با ناملایمات و سختی‌ها و رنج‌های زندگی در این جهان روبه‌رو شده یا روبه‌رو خواهد شد...



هر انسانی به نوبه خود با ناملایمات و سختی‌ها و رنج‌های زندگی در این جهان روبه‌رو شده یا روبه‌رو خواهد شد. سونامی، زلزله، مرگ ناشی از قحطی و سرطان و... از جمله رنج‌هایی است که انسان‌ها با آن مواجه می‌شوند. تمام این رنج‌ها را انسان‌ها به واسطه فهم خود به شر تعبیر می‌کنند. اما مواجهه انسان با شر، مواجهه‌ای است که او با خداوند و جهان دارد لذا تعبیر او در این گستره است که معنا می‌یابد. در نشستی که از سوی گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد موضوع الهیات و مسئله شر با حضور امیرعباس علی‌زمانی، غلامحسین خدري، هدایت علوی‌تبار و حسین احمدی‌زاده مورد بررسی قرار گرفت. این نشست در ادامه درس‌گفتارهای گروه فلسفه دین است. آنچه در پی می‌آید جستاری است از سخنرانی‌های این نشست. دکتر هدایت علوی‌تبار، نخستین سخنران این نشست بود که با موضوع «#171؛ طرح مسئله شر؛ بررسی مقیاس‌های میان سنت اسلامی و غربی»؛ به سخنرانی پرداخت و گفت: مسئله اصلی در طرح مسئله شر این است که حدود شر که غیرقابل انکار است با کدام صفت یا مجموعه صفات خدا در تعارض است که اختلاف سنت اسلامی و غربی در اینجا مشخص می‌شود. وی با اشاره به بحث شر در کتاب‌های «#171؛ شفای»؛ این‌سینا و «#171؛ اسفار»؛ ملاصدرا تأکید کرد: ملاصدرا در این بحث به‌نوعی از ابن‌سینا تبعیت کرده است. در سنت اسلامی در طرح مسئله شر، علم مطلق و قدرت مطلق خدا فرض گرفته می‌شود و در صورت مسئله ذکر نمی‌شود و وجود شر با صفت حکمت خدا ناسازگار دانسته می‌شود.

در سنت اسلامی گاهی به جای صفت حکمت، مسئله شر با صفت رحمت، عدالت یا وحدانیت ناسازگار قرار می‌گیرد. برخی مسائل را به امور خیر (خدا) و امور شر (خدای شر) تقسیم می‌کنند که حکمای اسلامی در جواب، مسئله شر را در توحید مطرح می‌کنند و می‌گویند وجود شرور نیاز به مبدأ شر ندارد و هر دو (خیر و شر) را می‌توان به یک مبدأ استناد داد. گاهی نیز در سنت اسلامی در بحث شر، روی صفت عدالت تأکید می‌شود. برخی از علما وجود شر را با عدالت الهی در تعارض دانسته‌اند. شهید مطهری یکی از همین متفکران است که در این زمینه کتابی نیز نوشته است. همچنین ملاصدرا به این موضوع توجه داشته و بحث شر را ذیل حکمت الهی قرار داده است. حکمای اسلامی علم و قدرت مطلق الهی را مفروض می‌گیرند درحالی‌که باید ابتدا این دو صفت توضیح داده شود تا مسئله شر طرح شود.

دکتر علوی‌تبار در ادامه با اشاره به بحث شر در سنت غربی، آن را در تقابل با سنت اسلامی خواند و گفت: در سنت غربی آنچه بیش از همه مورد تأکید است خیریت محض است نه حکمت. در گذشته در سنت غربی صفت خیریت و صفت قدرت در طرح مسئله شر آورده می‌شد. آنها معتقد بودند که دو صفت خیریت محض و قدرت محض با وجود شر در تعارض است. در واقع آنها علم مطلق را مفروض می‌گرفتند و دو صفت خیر و قدرت مطلق را مطرح می‌کردند. وی بحث شر را در سنت غربی به دو طرح دومولفه‌ای و سه‌مولفه‌ای تقسیم کرد و گفت: در سنت غربی از ابتدا تا این اواخر به این شکل بود که خدای قادر و خیر مطلق یک طرف و شر طرف دیگر قرار داده می‌شد که اپیکور را طراح این مسئله عنوان می‌کنند.

طرح سه‌مولفه‌ای جدیدتر است و امروزه بحث منطقی مطرح می‌شود. آن علم مطلق که در گذشته مفروض گرفته می‌شد امروز در طرح مسئله بیان می‌شود؛ یعنی علم و قدرت و خیر مطلق با شر در تعارض است که پلنتینگا آن را مطرح کرد. امروزه از سوی افرادی طرح سه‌مولفه‌ای مطرح می‌شود که به لحاظ منطقی این طرح درست‌تر است. در سنت غربی گاهی در کنار تأکید بر خیریت، عدالت مطرح می‌شود و شر را با عدالت در تعارض می‌گیرند. غیر از بحث عدالت گاهی متفکران غربی بر حکمت تأکید می‌کنند و وجود شر را با حکمت الهی در تعارض می‌دانند. یکی از فیلسوفانی که وجود شر را در تعارض با حکمت الهی می‌داند مرلوپونتی است که می‌گوید اگر جهان به بهترین نحو آفریده شده پس نباید شر در آن وجود داشته باشد و اگر شر وجود دارد در طراحی جهان اشکال است.

بدین نحو او به حکمت الهی معترض است و معتقد است که اگر خوبی را به خدا اسناد می‌کنیم باید بدی را نیز به وی اسناد کرده و در این مورد خدا را سرزنش کنیم. وی در پایان به تفاوت سنت اسلامی و غربی در بحث شر اشاره کرد و گفت: در سنت اسلامی علم مطلق و قدرت مطلق خدا فرض گرفته می‌شود و وجود شر با صفت حکمت الهی در تعارض عنوان می‌شود اما در سنت غربی که در گذشته صفت علم مطلق فرض گرفته می‌شد در صورت مسئله شر ذکر نمی‌شد و وجود شر با دو صفت قدرت مطلق و خیریت خدا ناسازگار بود. امروزه هیچ صفتی فرض گرفته نمی‌شود و وجود شر با صفات علم مطلق، قدرت مطلق و خیریت محض ناسازگار دانسته می‌شود که گاهی به جای صفت خیریت محض صفت حکمت، عدالت یا صداقت آورده می‌شود.

شرور در نظر ملاصدرا

دومین سخنران این نشست دکتر غلامحسین خدري بود که در این نشست با موضوع شرور از منظر ملاصدرا به سخنرانی پرداخت و

گفت: مسئله شر با چهار اصل توحید، عدل الهی، حکمت الهی و نظام احسن خداوند در تعارض است و سخن اصلی این است که چرا در عالم شری وجود دارد؟ وی مسئله شرور را جدی‌ترین نقد عقلانی بر باور به خدا یا مطلق‌بودن صفات کمالی خداند عنوان کرد و افزود: تنوع سؤالات درباره شر باعث شده کمتر متفکر، متکلم یا فیلسوفی در شرق و غرب بدان نپرداخته باشد و حکیم ملاصدرا به مسئله شر نگاهی کاملاً فلسفی داشته و موضوع را در امور عامه و مقدم بر الهیات بالمعنی‌الاصح در آثار مختلف خود تبیین کرده است. از نظر ملاصدرا شرور لازمه عناصر عالم مادی است و نفی اموری چون کژی‌ها، کاستی‌ها، بلایا و... مستلزم نفی عالم مادی است که این خود، شری به مراتب مطلق و بزرگ‌تر است. در نظر ملاصدرا خیر آن چیزی است که مشتاق‌الیه است و شر امری است که معرض‌عنه است؛ بدین معنی که خیر مساق وجود و شر روی دیگر عدم است. در نگاه ملاصدرا برای شر دو معنی لحاظ می‌شود؛ یکی فقدان ذات (لیس تامه) و دیگری خلأ کمالی از کمالات هستی (لیس ناقصه) و بنابراین شرور در دو معنا عدم‌خالص است؛ لذا شر نیاز به خالق ندارد و بدین‌سان شبهه ثنویت با این ترفند رفع می‌شود.

وی به اقسام سه‌گانه شرور اخلاقی، طبیعی و متافیزیکی به لحاظ مصداقی اشاره کرد و گفت: 2 نظریه اساسی در مورد شر وجود دارد؛ یکی نیست‌انگاری شر در نظر افلاطون و دیگری نظریه منسوب به ارسطو به نام تقسیم‌گرایانه که ملاصدرا به شهادت کتاب «؛شرح اصول کافی«؛ و کتاب «؛عقل و جهل«؛ قائل به وجود برای شرور ادراکی (عاطفی) می‌شود و آنگاه با ارائه نظریه تقسیم‌گرایانه اولاً خاستگاه این شرور را در عالم ماده و عناصر می‌داند که عالم تضاد و تزامن و قوه و فعل است و ثانیاً همین وجود عالم عناصر (طبیعت) را که خیر بسیار همراه با شر قلیل است، از مبدأ اعلی‌ لازم و واجب و ترک آن را غیرجایز می‌خواند. دکتر خدري در پایان تأکید کرد: ملاصدرا بر این باور است که عالم طبیعت در قوس نزول، انزل مراتب عالم وجود است پس بیشترین محدودیت را داراست و این نه از فاعلیت فاعل که از نقص قابل است که زمینه ظهور شرور را فراهم می‌آورد.

شرور بی‌وجه و دیدن همه تصور

دکتر امیرعباس علی‌زمانی آخرین سخنران این نشست بود که با موضوع «؛شرور بی‌وجه و دیدن همه تصور«؛ به سخنرانی پرداخت و گفت: تعریف دقیق و جامع و مانع از شر، کار دشوار و مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است که ممکن است براساس آن پیش‌فرض‌ها تعریفی جدای از شر وجود داشته باشد اما امام فخر رازی شر را معقول ثانی فلسفی می‌داند و تا اندازه‌ای منشأ شر را انتزاعی عنوان می‌کند. از منظر خاصی می‌توان شر را به 3 طریق بیان کرد. یکی از آنجا که در جهان شری وجود دارد، دوم از آنجا که در جهان شر کثیر، غالب یا فراگیری وجود دارد و دیگری از آنجا که در جهان شر بی‌وجه، گزاف و نامعقول وجود دارد. شیوه مواجهه و چالش با هر یک از سه ادعای فوق متفاوت است؛ چه بسا در مواجهه با ادعای نخست برخی درصدد برآمدند تا مدعی شوند که هیچ شری در جهان وجود ندارد و در مواجهه با ادعای دوم گفته‌اند که شرور موجود در جهان، اندک و ناچیز بوده و سرانجام در پاسخ به ادعای سوم مدعی شدند که هیچ شر گزاف نامعقول و غیرضروری در جهان وجود ندارد.

دکتر علی‌زمانی با تأکید بر اینکه سیر بحث‌های فلسفه دین این مقدار موفق بود که از تعارض اصل وجود خدا و اصل وجود شر به این تکامل برسد که امروزه اصل وجود خدا با نوع خاصی از شرور در تعارض عنوان شود. ظاهراً این ملازمه (وجود خدا و شر در جهان) محل مناقشه است و ما نمی‌توانیم بگوییم که اگر خدا وجود دارد باید هیچ شری در جهان وجود نداشته باشد. حتی تمسک به مفهوم بهترین جهان ممکن هم نتوانست مشکلی ایجاد کند و این تناقض را آشکارا نشان دهد.

آنها معتقد بودند که دو گزاره «؛خدا وجود دارد«؛ و «؛شر وجود دارد«؛ به تنهایی ظاهراً تعارض آشکار ندارند اما برای نشان‌دادن تعارض آشکار میان آنها ما نیاز به گزاره‌های الحاقی داریم. اگر مجموعه دو گزاره‌ای داشته باشیم و با افزودن برخی حقایق ضروری و انکارناپذیر، تناقض آنها آشکار شود آنگاه این مجموعه متناقض است. وی تلاش‌های فیلسوفان دین ملحد را در همین مسیر به استراتژی ناسازگاری در مقابل استراتژی سازگاری تعبیر کرد و افزود: آنها تلاش دارند که مشخص کنند در صورت اضافه‌شدن کدام قضیه الحاقی، تناقض میان این دو مسئله (خدا و شر) آشکار می‌شود. دکتر علی‌زمانی در ادامه بحث مفهوم شرور بی‌وجه یا بی‌دلیل را مهم‌ترین بحث امروز خواند.